

منظر مشترک

نسبت زیبایی‌شناسی و اکولوژی*

چکیده | این مقاله مشترک، خروجی بحثی است که به ارتباط زیبایی‌شناسی و اکولوژی و امکان وجود یک «زیبایی اکولوژیکی» می‌پردازد. امکانی که بر طراحی، برنامه‌ریزی و مدیریت منظر مؤثر است. ما سؤالات حل‌نشده و درک مشترکمان درباره این ارتباط و اهمیت زیبایی‌شناسی در فهم و تأثیر آن بر تغییرات منظر را تشریح و راه‌هایی که در آن زیبایی‌شناسی و اکولوژی احتمالاً متضاد یا مکمل‌اند را توصیف می‌کنیم. در ابتدا برای درک بهتر موضوع، رئوس مدل مفهومی ارتباط زیبایی‌شناسی - اکولوژی ارائه می‌گردد. ما فرض کردیم:

۱. با اینکه پدیده‌های انسانی و زیست‌محیطی در گستره مقیاسی وسیعی رخ می‌دهند اما انسان در مقیاسی خاص با پدیده‌های زیست‌محیطی درگیر می‌شود که آن مقیاس خاص، تجربه‌های او از منظر اطرافش است. یعنی قلمرو ادراکی انسان.

۲. تعاملات درون این قلمرو، باعث افزایش تجربه‌های زیبایی‌شناختی می‌شود که می‌تواند منجر به تغییراتی گردد که بر انسان‌ها، منظر و در نتیجه بر اکوسیستم مؤثر است.

۳. زمینه یا بستر (متن)، بر تجربه زیبایی‌شناختی از منظر مؤثر است. زمینه، دربرگیرنده اثرات انواع مختلف منظر (کشاورزی، فرهنگی، شهری و طبیعی) و نیز فعالیت‌های فردی و اجتماعی است. به نظر ما برخی بسترها و زمینه‌ها دارای نوعی از زیبایی هستند که سنتاً به آن‌ها «زیبایی منظره» گفته می‌شود و برخی دیگر واجد نوعی متفاوت از تجربه زیبایی مانند هویت و تعلق هستند. سرانجام خواهیم گفت که چگونه مداخله از طریق برنامه‌ریزی منظر، طراحی و مدیریت آن یا به طریق دانش‌افزایی ممکن است به برقراری ارتباط مطلوب بین زیبایی‌شناسی و اکولوژی بیانجامد. ما ویژگی‌های بحث‌انگیز این زیبایی‌شناسی اکولوژیکی را بررسی می‌کنیم. این مداخلات که می‌توانند در حفظ الگوهای مفید منظر و شیوه‌های آن کمک‌کننده باشند، ذاتاً هنجاری هستند ما وجوه اخلاقی معانی آن‌ها را مدنظر داریم.

واژگان کلیدی | ادراک منظر، زیبایی منظره، زیبایی‌شناسی اکولوژیکی، تغییر منظر، زمینه.

ترجمه از انگلیسی: رضا کسروی
پژوهشگر دکتری معماری منظر،
دانشگاه تهران، ایران.

kasravi58@gmail.com

بیشتر در پژوهش و عمل. به‌علاوه ما نقاط افتراق و نیز جاهایی را که نیاز به کار بیشتر برای حل اختلافات دارد نیز نشان خواهیم داد.

این مقاله بر پایه حجم انبوهی از پژوهش‌هایی بنا شده که دیگران انجام داده‌اند و هدف ما نیز در اینجا ارائه سابقه جامع از اندیشه زیبایی‌شناسی منظر و اکولوژی منظر نیست. بخش قابل توجهی از سابقه این کار در مقالات پیشین ما ارائه شده و دربردارنده منابع منتخب برای خوانندگان هست. ما همچنین افزایش حجم پژوهش‌ها و تحقیقات جدید در زمینه زیبایی‌شناسی منظر و ارتباطات اکولوژیکی را تأیید می‌کنیم. دامنه این تحقیق، از پژوهش‌های فلسفی تا پژوهش‌های کمی تجربی ادامه دارد و بر مناظر شهری، روستایی و طبیعی در آمریکا، اروپا، آسیا، استرالیا و اقیانوس آرام جنوبی متمرکز خواهد بود. با توجه به محدودیت‌های ما در این مقاله توصیه ما به علاقه‌مندان به این زمینه، ادامه و پیگیری آن است.

همچنین کوشش‌های ما ارتباط مستقیم با مباحث در حال تحول در خصوص جمع‌گفتمان‌ها و دیدگاه‌های تکثرگرا در زمینه اکولوژی منظر دارد. رابطه زیبایی‌شناسی-اکولوژی یکی از چیزهایی است که در زمینه تعاملات جامعه-طبیعت دچار بدفهمی‌های زیادی شده است و ما فکر می‌کنیم «مقیاس تجربه انسانی» که در این مقاله به آن اشاره شده نقطه ورود مهمی برای مطالعه فرارشته‌ای چنین تعاملاتی است. با توجه نمودن به اهمیت مقیاس تجربه انسانی در دیدگاه‌های متنوع علوم طبیعی و اجتماعی، پایه قوی‌تری برای بسط یکپارچه‌سازی و جمع‌ایده‌ها برای پرداختن به مسائل پایداری به دست می‌آید.

در بخش پیش رو ابتدا پایه مدل مفهومی مشترکمان از ارتباط زیبایی‌شناسی-اکولوژی را بنا نهاده و سپس به جزئیات مدل خواهیم پرداخت. در ادامه، چگونگی تأثیر بستر منظر و بستر موقعیت فردی-اجتماعی بر این ارتباط را بیان می‌کنیم و به‌طور مختصر مثال‌هایی را مرور می‌کنیم. درنهایت از چگونگی اثر دانش ناظر و طراحی منظر بر ایجاد ارتباط مکمل بین زیبایی و اکولوژی در رسیدن به اهداف اکولوژیکی سخن گفته و درباره پیامدهای عملی و اخلاقی چنین مداخلاتی بحث می‌کنیم. امیدواریم این پژوهش کمکی در پیشرفت مطالعات فرارشته‌ای و نظریه‌سازی بوده و باعث ارتقای ایجاد تغییرات سودمند در برنامه‌ریزی، طراحی و مدیریت شود.

تجربه انسانی و مناظره زیبایی‌شناسی-اکولوژی ما از طریق علم و هنر دنیا را می‌شناسیم اما بسیاری از واکنش‌های ما نسبت به محیط، ناشی از تجربه فردی ما از مناظر هستند. پدیده‌های زیست‌محیطی، گستره‌ای از مقیاس فرومیکروسکوپی تا مقیاس جهانی دارند و در بازه‌ای از میلی‌ثانیه تا هزاران سال تغییر می‌کنند. روندهایی که در اکولوژی منظر موضوع مطالعه قرار می‌گیرند می‌توانند به کوچکی خانه یک عنکبوت یا به بزرگی یک قاره باشند اما برای عموم مردم، درک، توجه و اقدام در خصوص پدیده‌هایی که فراتر از دایره تجربه مستقیم ما رخ می‌دهند دشوار است. از آنجاکه انسان قویاً بر پدیده‌های زیست‌محیطی مؤثر است، از نظر ما فهم تعامل انسان با محیط‌زیست در مقیاس منظر، بسیار معنی‌دار است. آنچه طبق تعریف، الگوهای فیزیکی هستند که محیط اطراف ما را می‌سازند.

مقیاسی که در آن انسان‌ها به‌عنوان موجودات زنده مناظر را درک می‌کنند و ما آن‌ها را «قلمرو ادراکی» می‌نامیم دارای اهمیت زیادی است چرا که در این مقیاس انسان‌ها عامدانه مناظر را تغییر می‌دهند و این تغییرات بر فرایندهای زیست‌محیطی مؤثر است. در این مقیاس، ادراک منظر به فرایند کلیدی ارتباط انسان و پدیده‌های اکولوژیکی تبدیل می‌شود. آنچه به این مقاله ارتباط فراوان دارد این است که تجارب زیبایی برانگیخته از ادراک منظر، قویاً و به‌طور منظم مردم را با اکوسیستم‌ها درگیر می‌کند. این بدین معنی است که مناظری که در ادراک ما خوشایند و زیبا هستند در مقایسه با مناظر زشت، صرف‌نظر از اهمیت زیست‌محیطی آن‌ها احتمالاً کمتر دارای اهمیت هستند و کمتر مورد محافظت قرار می‌گیرند. بدین ترتیب ممکن است تجارب زیبایی‌شناختی، مردم را به سمت دگرگونی مناظر در جهت سوق دهد که لزوماً سازگار با کارکرد اکولوژیکی آن‌ها نیست. ما در این مقاله به بررسی ارتباط زیبایی‌شناسی منظر و اکولوژی می‌پردازیم و درباره موضوعات ناشی از ناسازگاری اهداف زیبایی‌شناسی و اکولوژیکی در زمینه‌های برنامه‌ریزی، طراحی و مدیریت به بحث خواهیم نشست. در کار قبلی، ما جنبه‌های مختلف ارتباط زیبایی‌شناسی-اکولوژی و چالش‌های فکری آن‌ها در طول سالیان را نشان داده‌ایم. اهداف ما در این تشریک‌مساعی، شناسایی حوزه‌هایی است که در ارتباط زیبایی‌شناسی-اکولوژی درباره آن‌ها توافق داریم و نیز روشن کردن آن حوزه‌ها به منظور دستیابی به مذاقه

خواست یا اجتناب از اصلاح مکان‌هایی که از نظر ما زشت هستند همگی بر تغییر منظر مؤثر هستند. این تمایل در مدیریت و سیاست منظر انعکاس می‌یابد که در آن‌ها زیبایی‌شناسی، در میان تمام آنچه مانند غذا به‌طور سنتی منابع قابل خرید و فروش شمرده می‌شوند عمدتاً به‌عنوان منبعی غیرقابل خرید و فروش مطرح می‌شود. در اواخر دهه ۱۹۶۰ میلادی بود که رابطه بین زیبایی‌شناسی و تغییرات منظر در قوانین و سیاست‌های آمریکا و انگلیس مطرح شد. با دو هدف شناسایی مناطقی به‌منظور حفاظت از آن‌ها برای لذت بردن عموم مردم و کم کردن اثرات زیبایی‌شناختی اقدامات تولید و توسعه محور مانند چوب‌بری، روش‌های متخصص محور و نیز ادراک محور، برای ارزیابی کیفیت زیبایی‌شناختی منظر بسط داده شدند. این روش‌های ارزیابی به‌طور عمده بر چشم‌انداز منظر متمرکز شدند و با تأکید بر حمایت از انتظارات فرهنگی از طبیعت در آمریکا در بیابان‌ها و در انگلیس به‌صورت جنگل‌کاری اراضی عمومی اعمال شدند. این رویکرد به زیبایی‌شناسی، برای چند دهه ساختار سیاست مدیریت منظر در بسیاری از کشورهای جهان را شکل داد اما اخیراً به دلیل تأکید آن بر لذت بصری مناظر طبیعی، توسط برخی منتقدان «زیبایی‌شناختی منظره» نامیده می‌شود. سوم اینکه توجه به کیفیت اکولوژیکی می‌تواند متأثر از ارزش زیبایی‌شناختی ادراکی مناظر باشد. به‌عنوان مثال، نگرانی در خصوص کیفیت منظره، منجر به پیشرفت‌های مهمی در فهم و مدیریت بیابان‌ها در آمریکا شد هرچند این زمینه تنها یک حوزه از تغییرات منظر است. سیاست اولیه توجه به بیابان‌ها فوراً به‌صورت موازی باعث رسیدگی به موضوع در زمینه محدوده‌های تحت تسلط انسان مانند شهرها، اراضی کشاورزی و نیز منظر فرهنگی و تاریخی اروپا که هزاران سال به‌شدت مدیریت شده بودند گردید. امروزه نیاز به محافظت و حمایت از سلامت اکولوژیکی، تنوع و خدمات اکوسیستم در تمام انواع منظر پذیرفته شده است. اما فهم چگونگی ادراک زیبایی انواع مناظر توسط مردم، نقطه کلیدی جذب حمایت عمومی و انطباق آن‌ها با تغییرات منظر است. ارتباط این مسئله وقتی اهمیت می‌یابد که ترجیحات زیبایی‌شناختی و اهداف اکولوژیکی همساز نباشند یعنی فرضاً چیزی که زیبا به نظر می‌رسد به لحاظ اکولوژیکی ناسالم باشد یا آنچه از نظر اکولوژیکی سالم است زشت دیده شود.

• تعاملات زیبایی‌شناسی و اکولوژی در ادراک منظر با توجه به مناظر، ارتباط زیبایی‌شناسی و اکولوژی چگونه است؟ از نظر ما بین زیبایی‌شناسی و اکولوژی یک رابطه نزدیک و پیچیده وجود دارد که معانی مهمی برای علاقه‌مندان به اکولوژی منظر شامل دانشمندان علوم طبیعی، مدل‌سازان، برنامه‌ریزان سرزمین، طراحان و مدیران دارد. این رابطه به دانشمندان علوم اجتماعی، فیلسوفان محیط‌زیست و دیگرانی که به مطالعه علل و عواقب تغییرات منظر می‌پردازند نیز مربوط است. از آنجاکه تاکنون زیبایی‌شناسی دغدغه تک‌تک بسیاری از این گروه‌ها نبوده لذا ایشان مدعی ارتباط ناچیز زیبایی‌شناسی و اکولوژی منظر خواهند بود. ما فکر می‌کنیم دلایل مهمی وجود دارد که توجه به زیبایی‌شناسی، به پیش‌بینی تغییرات منظر و اثرات زیست‌محیطی آن کمک می‌کند. اولاً، چنانکه پیش‌تر اشاره شد زیبایی‌شناسی منظر یک ارتباط حیاتی بین انسان و روندهای اکولوژیکی برقرار می‌کند. به‌عنوان نوع بشر، سیستم حسی ما به احساساتمان گره خورده و از میان این احساسات، حس لذت، در نحوه پاسخگویی ما به محرک‌های جهان تأثیر اساسی دارد. فیلسوفان، روانشناسان، هنرمندان و طراحان، لذت ناشی از ادراک محرک‌های محیطی در انسان را «پاسخی زیباشناختی» می‌دانند. بهتر است این پاسخ را در قلمرو زمان-مکان منظر، «تجربه زیباشناختی» بدانیم. تجارب زیباشناختی، حس لذت ما را وصل می‌کند به دنیایی که مشاهده می‌کنیم یعنی منظری که ممکن است به صورتی ناقص، کارکردهای اکولوژیکی درونش را منعکس می‌کند. هر گونه‌ای با پاسخگویی به نشانه‌های محیط‌زیستش به دنبال زیستگاه مناسب خود می‌گردد. لذت زیبایی که از تجربه منظر برای انسان (به‌عنوان یک گونه زیستی) به دست می‌آید بازتابی است از تاریخ تکامل و رفتار زیست‌محیطی معاصر از جمله نحوه استفاده از زمین، سیاست‌های توسعه و بازار املاک و مستغلات. موضوع مهم پیش روی تحقیقات انسان-محیط‌زیست و مدیریت که در این مقاله مستقیماً به آن اشاره شده این است که این پاسخ‌های رفتاری، می‌توانند و باید، از طریق مداخلات طراحی یا آگاهی اصلاح شوند. ثانیاً، تجربه زیبایی‌شناختی می‌تواند باعث تغییر منظر شود. این مسئله در زمینه اوقات فراغت بسیار روشن است و در پیش‌پافتاده‌ترین جنبه‌های زندگی روزمره نیز دیده می‌شود. میل ما به دیدن، زندگی کردن و بازدید از مکان‌های زیبا و

نظرات درباره فرایندهای اکولوژیکی در زیر یک چتر، از افزایش دامنه زیبایی‌شناسی منظر حمایت کرده‌اند. همساز نبودن احتمالی روندهای اکولوژیکی با کیفیت‌های بصری که به صورت مناظر لذت‌بخش به چشم می‌آیند و اینکه این تعارض می‌تواند به تغییرات منظر از جهت نوع رابطه بشر با طبیعت آسیب بزند، اهمیت «زیبایی‌شناسی اکولوژیکی» را مضاعف می‌کند. یک زیبایی‌شناسی اکولوژیکی طبق تعریف باید از نظر زیبایی منظره خوشایند انسان بوده همچنین متضمن کارکردهای اکولوژیکی باشد. به این ترتیب تجارب زیبایی‌شناختی می‌تواند اکوسیستمی ارتقا یافته با سلامتی پایدار ایجاد کند و به همین ترتیب باعث ارتقای سلامت انسان و رفاه گردد.

نویسندگان این مقاله همگی در اینکه رابطه مکمل سلامت اکولوژیکی و لذت زیبایی‌شناختی در منظر امری مطلوب است توافق دارند. بنابراین زیبایی اکولوژیکی می‌تواند تصویری پیشرو از ارتباط سودمند اولویت منظر و اکولوژی دیده شود که توسط گروهی در طول تاریخ تکامل انسان تئوریزه و پی‌ریزی شده است. آنچه مورد بحث به نظر می‌آید این است که در صورت تضاد بین اولویت‌های زیباشناختی و اهداف اکولوژیکی، به لحاظ اخلاقی و عمل‌گرایی، این اولویت‌های زیبایی‌شناختی هستند که باید تغییر کنند. این مسئله بسته به بستر منظر معانی و راه‌حل‌های گوناگونی دارد که متعاقباً به آن می‌پردازیم. یکی از مسائل مهم و مرتبط این است که مناظر سودمند اکولوژیکی می‌توانند و باید بر اساس اولویت‌های زیبایی‌شناختی طراحی شوند. در انتهای مقاله ما به این نقطه کلیدی باز خواهیم گشت که زیبایی‌شناختی اکولوژیکی باید در جزییات به‌عنوان یک زیبایی‌شناختی هنجاری حمایت شود و درباره پیامدهای اخلاقی مداخلات برای رسیدن به همسازي بین زیبایی‌شناسی و اکولوژی بحث خواهیم کرد.

به‌سوی یک مدل مفهومی زیبایی‌شناسی منظر و اکولوژی

اگرچه ما از دیسپلین‌ها و تجربه‌های مختلف وارد این موضوع شده‌ایم اما می‌دانیم که مدل‌های رفتار محیطی که در روانشناسی محیط مطرح گردیده نقطه شروع سودمندی برای تشریح ارتباط بین منظر و اکولوژی است. محیط و رفتار اغلب به‌عنوان موضوعی تعاملی و وابسته به متن توصیف می‌شوند. تعاملی، از این بابت که انسان و محیط در تعامل با هم یکدیگر

• تعارض بین زیبایی‌شناسی و اکولوژی

در اوایل تأثیرگذاری زیبایی‌شناسی بر سیاست مدیریت منظر، مفاهیم اکولوژیکی مانند تنوع زیستی، سلامتی اکولوژیکی و خدمات اکوسیستم چندان مورد توجه نبودند. امروزه این دغدغه‌های اکولوژیکی در گستره‌ای از حفاظت از کیفیت آب تا یارانه‌های کشاورزی برای بسیاری از وجوه تغییرات منظر تبدیل به قانون شده‌اند. کمپین‌های آموزشی به افزایش میزان آگاهی و عمل کمک کرده‌اند. در برخی موارد مباحث اکولوژیکی برای حفاظت از ارزش‌های غیرتجاری مناظر جایگزین مباحث زیبایی‌شناسی شده‌اند. اما درحالی که دانش اکولوژی می‌تواند یاریگر پرورش یک فهم روشن از سیاست‌های جدید مدیریتی باشد، احتمالاً به زبان زیبایی‌شناختی مناظر سودمند اکولوژیکی ترجمه نخواهد شد.

این تعارض بین تجارب زیبایی‌شناختی و کارکردهای اکولوژیکی در قلب چیزی قرار دارد که اینجا از آن به‌عنوان بحث زیبایی‌شناسی اکولوژی یاد می‌کنیم. با وجود گرایشی که مبتنی بر روندهای تکاملی و تجارب فرهنگی در تصور اینکه کیفیت اکولوژیکی با کیفیت خوب زیبایی‌شناختی ارتباط دارد در انسان هست، انسان‌ها نمی‌توانند مستقیماً کیفیت اکولوژیکی را درک کنند. ذر برخی موارد، زیباشناختی و ارزش‌های اکولوژیکی به‌طور مثبتی همبسته خواهند بود اما تضمینی بر درستی همیشگی آن وجود ندارد. آنچه به لحاظ زیبایی‌شناختی خوشایند است لزوماً بازتاب‌دهنده اکوسیستم سالم نیست. حومه‌های منظم یا منظر شهرهای بزرگ ممکن است زیبا دیده شود اما سبزی زمین‌ها و چمنزارها علامت خطری باشند از فقر سلامت اکوسیستم. در مقابل ممکن است مناظری که از نظر اکولوژیکی سالم‌اند به لحاظ زیبایی‌شناختی خوشایند نباشند. ممکن است مناظری مانند تالاب‌ها و چمنزارها جذاب به نظر نیایند؛ مردم نیز احتمالاً نمی‌توانند تنوع بیولوژیکی آن‌ها را تشخیص دهند. به‌طور مشابه، احتمالاً اقدامات مدیریت منظر که به‌طور مؤثر، حفظ کیفیت آب و حفاظت از خاک یا تأمین دیگر خدمات مهم اکوسیستم را به عهده دارد به لحاظ زیبایی‌شناختی خوشایند نباشد. با این حال مردم تمایل دارند تفسیر تجربه زیبایی‌شناختی خود از منظر را به‌عنوان اطلاعاتشان از کیفیت اکولوژی ارائه دهند این موضوع درباره تمام انواع منظر صدق می‌کند.

برای حل این مسئله پیچیده، برخی از طراحان محیط‌زیست، فیلسوفان و دانشمندان علوم اجتماعی با هدف جمع‌کردن

عمل می‌کنند. اما از آنجاکه این مقیاس‌ها خارج از «مقیاس انسانی» هستند کمتر توجه و اقدام ما را به خود جلب می‌کنند. با این حال انسجام اکولوژیکی و رفاه انسان به عناصر و ارتباط درونی در طیف کاملی از مقیاس‌های زیست‌محیطی بستگی دارد.

حفظ یکپارچگی فرایندهای اکولوژیکی و ظرفیتشان برای ارائه خدمات اکوسیستم برای رفاه انسان ضروری است. پایه مدل مفهومی ما نیز همین مسئله است. اکوسیستم‌ها و منظر به طرق بی‌شماری زندگی انسان‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهند. مدل ما چگونگی تأثیر اقدامات انسانی مبتنی بر ادراک منظر بر کارکردهای اکولوژیکی در مقیاس‌هایی که لزوماً به سرعت ادراک نمی‌شوند را توضیح می‌دهد. برای مثال، آثار درازمدت یا جهانی اغلب ناخواسته و پیش‌بینی نشده‌اند. از آنجاکه پدیده‌های اساسی اکولوژیک خارج از قلمرو ادراک ما عمل می‌کنند، برنامه‌ریزی منظر، طراحی و مدیریت که ارتباطی عملکردی بین پدیده‌های سودمند اکولوژیک و زیبایی مطبوع مناظر ایجاد می‌کنند، کلید پایداری فرهنگی کارکردهای اکوسیستم هستند.

• ادراک منظر و نقش دانش در تجربه زیبایی‌شناختی تجربه‌های زیبایی‌شناختی منظر، تجارب ادراکی نسبتاً مستقیم از پدیده‌های محیطی هستند. در حالی که عمدتاً از طریق چشم به دست می‌آیند اما می‌توانند توسط دیگر ورودی‌های حواس تسهیل و تعدیل شوند. این تجارب اساساً بر پایه فرایندهای احساسی قرار دارند که خود این فرایندهای احساسی نیز تکامل یافته ظرفیت‌های فیزیولوژیک، روان‌شناسانه، شیمی حیاتی و استعدادها هستند. پیچیدگی پاسخ‌های ادراکی انسان نشان می‌دهد دانش و فرایندهای شناختی می‌توانند ادراک را تغییر دهند. به عنوان مثال، شناخت زیستگاه می‌تواند بر قصد مردم برای تغییر منظر مؤثر باشد. ارزش اکولوژیک یک منظر ممکن است برای کسی که از ارتباط پدیده‌های اکولوژیکی آگاه است به خودی خود لذت بخش باشد. این شناخت ممکن است همراه یا ناشی از احساس لذت حاصل از فهم تجربه زیبایی‌شناختی باشد. لذت ناشی از شناخت ارزش اکولوژیک، همچون یک تجربه زیبایی‌شناختی در قلب بحث زیبایی‌شناسی-اکولوژیک قرار دارد. ممکن است کسانی بگویند لذت ناشی از شناخت ارزش اکولوژیک از لذت زیبایی‌شناختی منظر متفاوت است. شبیه اینکه گفته شود

را تغییر داده و تعریف می‌کنند؛ و وابسته به متن، از آنجاکه رفتار انسان تحت تأثیر کیفیات خاص مکان و موقعیت‌ها شکل می‌گیرد. تغییر یکی از نتایج مهم فرد-منظر و فرد-فرد منظر است و تغییراتی که در درون بستر و مقیاس رخ می‌دهد بر روی دیگر مقیاس‌ها در هر دو زمینه اجتماعی-فرهنگی و سیستم‌های اکولوژیکی مؤثر است.

در شکل ۱ ما بر اساس این ایده‌ها یک مدل مفهومی از اقداماتی که به منظور شفاف کردن ارتباط بین زیبایی‌شناسی و اکولوژی انجام شده ارائه کرده‌ایم. ما نیز همچون بیشتر مدل‌های رفتار-محیط، انسان‌ها و محیط را به عنوان مجموعه‌های جدا اما متعامل نشان داده‌ایم. وجه تمایز مدل ما از دیگران توجه آن به مقیاس‌الگوی منظر است که ادراک انسان از اطرافش را شکل می‌دهد. قلمرو ادراکی حساسی که تجربه زیبایی‌شناختی در آن رخ می‌دهد و اقدامات آگاهانه در منظر، مستقیم یا غیرمستقیم بر کارکردهای اکولوژیک اثرگذار است. این قلمرو ادراکی به طور قابل توجهی بیشترین تماس‌های آگاهانه بین پدیده‌های محیطی و انسانی را ایجاد می‌کند. قلمروی که روند ادراک در آن سیستم‌های انسانی را مستقیماً به اکوسیستم‌ها وصل می‌کند. ما به منظور روشن شدن تأثیر مقیاس مهم قلمرو ادراکی بر پدیده‌های دیگر که دارای مقیاس ادراکی کمتری هستند، آن را درون مقیاس‌های مختلف پدیده‌های محیطی و انسانی قرار داده‌ایم. در بخش بعدی، قلمرو ادراکی را تعریف کرده و خواهیم گفت که چگونه قلمرو ادراکی از سیستم گسترده‌تری از تعاملات انسان و محیط زیست مشتق شده و بر آن اثر می‌گذارد.

• الگوهای منظر و فرآیندهای اکولوژیکی

الگوهای منظر، نمونه‌های مرتبط و وابسته به پدیده‌های زیست‌محیطی هستند. ترکیب فضایی شکل زمین، آب، پوشش گیاهی و مصنوعات انسانی (تک‌تک یا با هم) ارائه‌دهنده اطلاعاتی در یک مقیاس هستند که توسط مردم به راحتی ادراک می‌شود. ادراک الگوهای بزرگ‌تر مانند جنگل یا جمعیت‌های حیات وحش و موجودات کوچک‌تر همچون گل‌ها و پروانه‌ها اطلاعاتی درباره روندهای اکولوژیکی ارائه می‌کنند. گستره وسیع‌تری از پدیده‌های زیست‌محیطی فراتر از این قلمرو ادراکی وجود دارد که از مقیاس زیر میکروسکوپی تا مقیاس‌های جهانی و بیش از آن تا دوران‌های زمین‌شناسی



شکل ۱: مدل تعامل انسان و محیط‌زیست در منظر. مأخذ: نگارندگان.

حرکت اغلب غیرفعال ارزیابی می‌شود. ادراک حتی در این سطح وجه عملی دارد، از به زبان آوردن ترجیحات بیانی (آیا زیبا نیست؟) تا مصرف منابع برای انجام یک سفر یا انتخاب یک راه برای لذت بردن از زیبایی. این ترجیحات ممکن است منجر به انتخاب‌های رفتاری (بیاید برای پیک‌نیک اینجا توقف کنیم!) و اقداماتی شود که نتایج آن تغییراتی کوچک و کوتاه‌مدت (آن زغال‌ها را در دریاچه بینداز ما آتش روشن نمی‌کنیم) یا بزرگ و بلندمدت (چرا ما اینجا زمینی نمی‌خریم تا کلبه‌ای برای تعطیلات و دوران بازنشستگی بسازیم؟) در محل شود. به طوری که پتانسیل اولویت‌های فردی، انتخاب‌ها و اقدامات در سطوح وسیع‌تر اجتماعی می‌تواند پتانسیلی ژرف برای تغییر منظر، مناطق، اکوسیستم‌ها و دیگر پدیده‌های زیست‌محیطی باشد. مثلاً در ایالات متحده «مهاجرت نرم» مردم به سمت مناطق خوش‌منظره یکی از بزرگ‌ترین محرک‌های تغییر منظر به شمار می‌آید. اقدامات اجتماعی نقش خود را از طریق سیاست و دیگر عوامل مؤثر بر روی برنامه‌ها، شیوه‌های مدیریتی و سیاست‌ها ایفا می‌کنند. در اروپا اقدامات کشاورزی-محیط زیست، پرداخت‌ها و قوانین با هدف حفاظت از اکولوژی و میراث فرهنگی باعث تغییرات اساسی در ساکنان حیات وحش و وجه بصری منظر می‌شود. این اقدامات عمدتاً انتزاعی، باعث نهادینه شدن رفتار شده و ممکن است باعث تند یا کند شدن اقدام فردی در جهت دگرگونی تغییر از مقیاس محلی تا مقیاس‌های جهانی شود.

لازم است سیستم‌های فرهنگی و اجتماعی و نیز ارزش‌های فلسفی و اخلاقی که می‌توانند بر چگونگی جذب یا دفع مردم توسط تجارب منظر مؤثر باشند نیز به‌عنوان وجوهی از تجارب زیبایی‌شناختی مورد توجه قرار بگیرند. این مسائل پرسش‌های فلسفی ذیل ایده زیبایی‌شناختی اکولوژیکی هستند که ما بنا نداریم در این مقاله به پاسخ آن‌ها بپردازیم. از آنجاکه هدف مدل مفهومی ما نشان دادن چگونگی اثرات زیبایی‌شناسی بر فرایندهای اکولوژیکی و ظرفیت‌های آن‌ها در ارائه خدمات اکوسیستمی است، ما تجربه‌های زیبایی‌شناختی منظر را به‌مثابه «احساس لذت ناشی از ادراک مستقیم وجوه فضایی و الگوهای موقت منظر» تعریف می‌کنیم. حتی در این تعریف گسترده نیز ما همچنان بین خودمان میان وجوهی که به‌طور مستقیم ادراک می‌شود و چگونگی نقش فرایندهای شناختی، سیستم‌های ارزشی و گستردگی آن در تجارب زیبایی‌شناختی منظر اختلاف داریم. به‌ویژه در چگونگی و حد اهمیت دانش اکولوژی الگوهای منظر که در تجربه‌های زیبایی‌شناختی ورود می‌کند توافق نداریم.

• تجربه زیبایی‌شناختی؛ محرک اقدام و تغییر مهم‌ترین بخش مدل در شکل ۱ اقداماتی است که در قلمرو ادراکی انجام می‌شود؛ زیرا اقدامات نشان‌دهنده پتانسیل زیبایی‌شناسی برای تحریک و هدایت تغییرات منظر است. برای مثال، پاسخ زیبایی‌شناختی انسان به منظر، مثلاً نگاه کردن به منظره یک دریاچه از پشت شیشه اتومبیل در حال

دارند که انتظارات و ادراکات انسانی مرتبط را فرا می‌خواند. همان‌طور که ما پیش‌تر درباره تحقیقات در خصوص زیبایی‌شناسی منظر در ۳۵ سال گذشته اشاره کردیم همواره گونه‌های منظر خاص پاسخ‌های زیبایی‌شناختی متفاوتی برمی‌انگیزند اما به‌طور تلویحی به چگونگی این تفاوت‌های پایه‌ای در این مقاله پرداخته‌شده است. این بی‌توجهی ممکن است ناشی از این حقیقت باشد که بیشتر مطالعات تنها یک گونه از منظر را مورد توجه قرار می‌دهند و تنها با یک موقعیت خاص روبرو می‌شوند و در مطالعه، زمینه را نادیده می‌گیرند. پس از بررسی نتایج این مطالعات، از جمله کار متنوع خود ما در مناظر روستایی، بکر و شهری به این نتیجه رسیدیم که در مطالعات ادراک منظر و ساخت تئوری خصوصاً در زمینه ارتباط زیبایی‌شناسی-اکولوژی و تأثیر آن بر تغییر منظر، زمینه صراحتاً باید مورد توجه قرار بگیرد. تجربه‌های تحقیقاتی ما در آمریکا و شمال اروپا تنها آغاز نشان دادن تمایزهای زیبایی‌شناختی مربوط به زمینه است.

شکل ۲ به‌صورت شماتیک نشان می‌دهد که چگونه زمینه (بستر، متن) منظر و موقعیت زمینه می‌تواند بر تجربه زیبایی‌شناختی مؤثر باشد (شکل ۲). مرکز شکل (خروجی از شکل ۱) ناشی از الگوهای منظر درون قلمرو ادراک تجربه زیبایی‌شناختی است. «زمینه منظر» نشان می‌دهد الگوهای قابل مشاهده منظر، نوع خود را نشان می‌دهند. «زمینه موقعیتی» نشان می‌دهد فاکتورهای اجتماعی-فرهنگی و شخصی چگونه بر ناظر-پاسخگو اثر می‌گذارد درحالی‌که ناظر-پاسخگو خود سازنده موقعیتی است که آن موقعیت بر تجربه شخص از منظر مؤثر است.

ممکن است زمینه یا بافت موقعیتی، تحت شرایط مختلف در یک شخص واحد، تجربه‌های زیبایی‌شناختی متفاوتی برانگیزد. مثلاً ممکن است یک شخص، دارای ادراکات زیبایی‌شناختی متفاوت از یک منظر هنگام تفریح یا کار کردن در همان مکان باشد. به همین ترتیب، حال و دیگر مؤلفه‌های شخصی، اجتماعی و فرهنگی ممکن است زمینه موقعیتی را دگرگون کرده و بر نحوه ادراک منظر اثرگذار باشد.

اینکه کاربری‌ها نوع منظر را مشخص می‌کنند، توجه ناظر را جلب کرده و هنجارهای اجتماعی و انتظارات فردی را همراه می‌کنند نشان می‌دهد زمینه‌های (متن، بستر) منظر و زمینه‌های موقعیتی، متعامل‌اند. از دیگر سو ممکن است نظر

ماهیت تعاملی مدل مفهومی ما نشان می‌دهد که نه تنها تجربه‌های زیبایی‌شناختی می‌توانند باعث تغییر در منظر شوند بلکه تغییرات منظر می‌توانند بر تجارب زیبایی‌شناختی مؤثر باشند؛ مانند وقتی که جنگل‌زدایی یا طوفان یک منظر دوست‌داشتنی را نابود می‌کند. همچنان که الگوهای منظر تغییر می‌کنند، تجربه‌های زیبایی‌شناختی مردم از مکان و نهایتاً اقدامات آن‌ها نیز دچار تغییر می‌شود. (مثلاً انتخاب جایی برای ساخت یا اجتناب از آن). بدین ترتیب بخش اقدام مدل مفهومی ما، چرخه بازگشتی را توصیف می‌کند که در آن، تغییر می‌تواند هم ادراک-اقدام انسان و هم روندهای اکولوژیک را دگرگون کند. مفهوم مهم این چرخه آن است که چگونه ادراک و تجربه مردم می‌تواند منجر به پاسخ‌هایی شود که در آن، ارتباط بین تجربه زیبایی‌شناختی و منافع اکولوژیک و اگر یا مکمل یکدیگر باشند.

در نهایت، جنبه‌های تعاملی مدل ما نشان می‌دهد واکنش‌های انسان به منظر می‌تواند باعث تغییر انسان شود. تجربه‌های زیبایی‌شناختی ممکن است از طریق کاهش استرس به‌طور مستقیم باعث به وجود آمدن مزایای فیزیولوژیک یا روان‌شناسانه شود همچنان که می‌تواند از طریق فعالیت فیزیکی مانند پیاده‌روی یا باغبانی ناشی از انگیزه‌های زیبایی‌شناختی به‌صورت غیرمستقیم برای سلامتی سودمند باشد. تعامل با منظر یا مشاهده آن نیز ممکن است باعث ایجاد تغییر در مردم شود. مثلاً کشاورزان یا جنگلبانان در خصوص فرایندهای اساسی اکولوژیک که چوب یا محصولات کشاورزی را تولید می‌کنند آگاهی پیدا می‌کنند. به‌طور مشابه، افزایش دانش زیست‌محیطی خواه با یا بدون تجربه‌های زیبایی‌شناختی مردم، ممکن است باعث تغییر پاسخ آن‌ها به منظر گردد. بنابراین ارتباط زیبایی‌شناسی-اکولوژی حاوی مفاهیمی است که نه تنها دارای پیامدهای مفید برای اکولوژی است بلکه برای انسان نیز مفید است.

اثرات منظر و بستر موقعیتی

مدل پیشنهادی نشان می‌دهد که چگونه تجربه زیبایی‌شناختی ممکن است باعث ایجاد انگیزه جهت اقدام و تغییر در مردم و منظر شود اما هنوز نشان نداده است که یک گونه منظر خاص و موقعیتی که «تجربه» در آن رخ می‌دهد ممکن است بر تجربه زیبایی‌شناختی مؤثر باشد. گونه‌های مختلف منظر، ویژگی‌های قابل‌ادراک خاصی

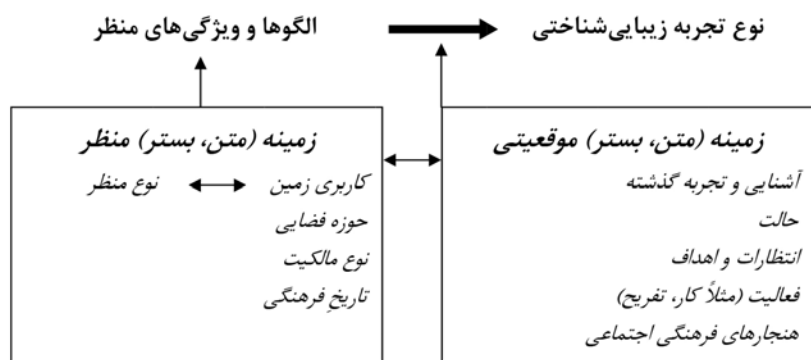
را نشان می‌دهد که در آن، انتظارِ حفاظت از کشاورزی یا جنگل، بخشی از شخصیت فرهنگی آن منطقه است. این اثرات زمینه‌ای (متنی) بسیار مهم هستند چرا که این اثرات ممکن است باعث حصول انواع تجربیاتی شوند که آن‌ها نیز به نوبه خود مسائل نظری یا عملی مختلفی را در موضوع ارتباط زیبایی‌شناسی-اکولوژی مطرح کنند. بررسی این تفاوت‌ها ما را یاری کرد تا ببینیم مدل مفهومی ما (شکل ۱) چگونه می‌تواند به گونه‌های بسیار مختلف منظر تعمیم داده شود. تحقیقات بیشتر روی تفاوت‌های زمینه‌ای تجارب منظر می‌تواند یاریگر بنا نهادن یک تئوری توضیح‌دهنده ارتباطات پیچیده زیبایی‌شناسی-اکولوژی در خصوص ادراک منظر باشد. تجربه همراه با زیبایی منظره در اراضی عمومی وسیع آمریکا که در زمینه تفریح و سرگرمی مطرح می‌شوند احتمالاً نمی‌توانند توصیف‌کننده تجربه اراضی خصوصی یا زمین‌های عمومی کوچکی باشند که مورد استفاده تفریح روزانه دارند. این انواع دیگر تجربه منظر، شامل مراقبت، تعلق و هویت فرهنگی هستند اما محدود به آن‌ها نمی‌شوند. یک رویکرد به بحث زیبایی‌شناسی-اکولوژی می‌تواند تمایز قائل شدن بین تجارب زیبایی‌شناختی بر اساس منظر متفاوت و زمینه‌های موقعیتی باشد. در مدل مفهومی ما گونه‌های متفاوت تجربه زیبایی‌شناختی می‌توانند معانی مختلفی برای اقداماتی داشته باشند که بر کارکردهای اکولوژیک اثرگذارند.

• گونه‌های منظر، تجربه‌های زیبایی‌شناختی را تغییر می‌دهند
 ما در بخش‌های ذیل چهار زمینه گسترده منظر را معرفی کرده و درباره آن به‌طور مختصر سخن خواهیم گفت. لازم است به این نکته اشاره کنیم که ما به‌عنوان یک گروه، می‌پذیریم

و توجه ناظر بر هنجارهای یا انتظارات شخصی خاصی تأکید کند و بر اینکه کدام اقدام، ویژگی منظر و محیط برجسته‌تر است یا مناسب‌تر و جذاب‌تر درک می‌شود اثرگذار باشد. در ادامه این بخش ما به شناسایی ویژگی‌های زمینه‌ای (متنی) مناظر مختلف بیشتر خواهیم پرداخت و خواهیم گفت که چگونه انواع منظر خود را بیان می‌کنند و زمینه‌های موقعیتی انسان را تعریف کرده و به‌صورت بالقوه می‌توانند پاسخ‌های زیبایی‌شناختی را تغییر دهند.

• ویژگی‌های زمینه‌ای گونه‌های منظر

ویژگی‌های زمینه‌ای (متنی) مانند مالکیت زمین، کاربری، تاریخ فرهنگی و حوزه فضایی، انواع منظر قابل ادراک را می‌سازند. انتظارات فردی متفاوت، هنجارهای فرهنگی برای ظاهر منظر نیز مثل انواع گوناگون تجربه‌ها از انواع منظر استخراج می‌شوند. به‌عنوان مثال، مناظر بزرگ تحت مالکیت عمومی که با عنوان بیابان شناخته می‌شوند عمدتاً با فعالیت‌های تفریحی شناخته‌شده و در آن‌ها مردم با نوعی از تجربه همراه می‌شوند که نوعاً، از جنس زیبایی منظره است. در نقطه مقابل، مناظر بزرگ دارای مالکیت خصوصی مانند زمین‌های کشاورزی هم برانگیزاننده نوعی از تجربه‌اند که مربوط به انسان است و هم برانگیزاننده انتظارات شخصی و هنجارهای فرهنگی از مردمی هستند که با طبیعت همسازند. مناظر بزرگ خصوصی در اروپا، نوع خاصی از تجربه را به دست می‌دهند که متأثر از انتظارات و هنجارهایی است که دارای پیوست‌های قوی فرهنگی به ویژگی‌های قابل ادراک منظر هستند و مستقیماً با سنت‌های تاریخی ملت یا منطقه ارتباط دارند. برای مثال، در مناطقی با الگوهای مالکیت کوچک‌مقیاس، زمین‌های کوچک و درختان محافظت‌شده با بوته یا دیوار محوطه، نوعی از تجربه



شکل ۲: عناصر زمینه در مدل تعاملات انسان- محیط‌زیست در منظر. مأخذ: نگارندگان.

می‌شوند و علاوه بر آن به‌عنوان صاحبان زیبایی منظره‌ای و در نتیجه مناظر دارای زیبایی منظره نیز ادراک می‌شوند اغلب ممکن است دارای کیفیت‌های اکولوژیکی بالایی باشند. در بیشتر زمینه‌های بکر این همگرایی به‌عنوان اتفاقی خوشایند پذیرفته شده است. الگوهای منظر ارائه‌دهنده تجربه‌های مثبت زیبایی‌شناختی و در نتیجه مشوق اقدامات حفاظتی و ارتقایی، نوعاً الگوهایی منتج از اکوسیستم‌ها و فرایندهای اکولوژیک سلامت هستند.

مثال‌های نقض این ارتباط دوجانبه منفعت‌آمیز، در مناظر بکر و وحشی قابل توجه‌اند و می‌توانند در مدیریت منظر مسئله‌زا باشند. این مثال‌های نقض شامل مناظری می‌شود که به لحاظ اکولوژیک به‌غایت اهمیت دارند ولی خوش‌منظره نیستند؛ و نیز مناظری که بسیار خوش‌منظره‌اند اما از نظر اکولوژیک کم‌ارزش یا حتی مخرب‌اند. مثال نوع اول، منظر تالابی است خصوصاً در نوع مرداب یا باتلاق. مثال‌های نقض نوع دوم در موقعیت‌های بکر و وحشی سخت‌تر یافت می‌شوند، اما برخی می‌گویند اقدامات حفاظتی از قله‌های زیبا و خوش‌منظره می‌توانند باعث انحراف توجه از جذابیت اندک اما مهم به لحاظ اکولوژیک زمین‌های پست‌تر شوند. مسئله نوع اول احتمالاً با طراحی منظر که ارزش‌های زیبایی منظره را در عین حفاظت از فرایندهای مهم اکولوژیک در نظر دارد قابل حل است. همچنین کمپین‌های آموزشی و تجربه‌های هدایتی می‌تواند مشوق زیبایی‌شناختی اکولوژیکی باشد که با اهداف اکولوژیک همسازتر است اما تغییر اساسی در پاسخ‌های زیبایی‌شناختی در مناظر بکر طبیعی (طبیعت‌گرایانه) که در بستر بازدیدهای تفریحی کوتاه‌مدت تجربه می‌شوند بسیار چالش‌برانگیز است.

که منظر و بستر متفاوت، تجارب منظر و اقدامات مردم را تغییر می‌دهد اما در اینکه لذت شناخت ارزش اکولوژیک، ارزش‌های اخلاقی، فرهنگی و اجتماعی یک منظر یک تجربه زیبایی‌شناختی است توافقی نداریم. این موضوع در قضاوت اینکه چه مداخلاتی ممکن است بیشترین یا بهترین اثر را در کدام شرایط داشته باشد مؤثر است. مثل اینکه تجربه‌های زیبایی‌شناختی و منافع اکولوژیک باید با آموزش ناظر یا از طریق طراحی منظر تکمیل گرد یا اینکه لازم است منافع اکولوژیک بدون توجه به عواقب زیبایی‌شناختی دنبال شود. برای مثال دانش و تجربه می‌تواند دربردارنده یک تغییر در نوع زیبایی‌شناختی باشد، افزایش آگاهی ساکنان نزدیک یک تالاب از زیستگاه و کارکردهای هیدرولوژیک آن تالاب نه‌چندان خوش‌منظره ولی به لحاظ اکولوژیکی سودمند، می‌تواند منجر به زیبایی‌شناختی اکولوژیک مثبت شود. به طریقی دیگر، تالاب می‌تواند به‌گونه‌ای طراحی شود که جدا از دانشی که در خصوص فرایندها به آن‌ها اشاره شد، در یک الگوی منظر دارای تجارب زیبایی‌شناختی، مکمل زیستگاه‌های ارزشمند و فرایندهای هیدرولوژیک مثبت باشد. یا اینکه، حفاظت از تالاب‌های بدمنظره ولی به لحاظ اکولوژیک سودمند، می‌تواند بر پایه وجوه علمی اکولوژیک فارغ از کاستی‌های زیبایی‌شناختی‌اش توجیه شود. ما بر اینکه احتمالاً استراتژی‌های مختلف برای دستیابی به گونه‌های منظر مختلف مناسب باشد توافق نمودیم. توافق‌ها و تفاوت‌های ما در بخش ذیل خاطر نشان خواهند شد اما پیشتر این بحث را برای تحقیقات و بحث‌های آینده باز می‌گذاریم.

• مناظر بکر : خوش‌منظرگی در مقابل زیبایی‌شناسی اکولوژیک؟

• مناظر کشاورزی : زیبایی‌شناختی مراقبت و اثرات آگاهی
مناظر کشاورزی آمریکایی (مرتبط با بحث زیبایی‌شناسی-اکولوژی)، مخلص یک زیبایی‌شناختی مراقبت هستند که نمایش نظم و نظارت در همسازی با طبیعت از آن ادراک می‌شود. هرچند منافع اکولوژیک احتمالاً با آن ادراک سازگار نباشد. مراقبت، زیبایی‌شناختی است که برعکس زیبایی‌شناختی منظره، به نشانه‌های حضور مستمر انسان وابسته است و انسان را به تغییر و ابقای مناظر دعوت می‌کند. دعوتی خیرخواهانه. در بیان تفاوت انتظارات موقعیتی و

تجربه زیبایی‌شناختی، در بسیاری از موارد با مناظر بکر طبیعی همراه است که تأکید بر زیبایی منظره یا اصطلاحاً زیبایی‌شناختی منظره در زمینه تفریح و سرگرمی از وجوه آن است. مطالعات ادراک منظر در این زمینه از ارتباط و وابستگی قوی بین ادراک زیبایی منظره و ادراک طبیعی بودن دارد. ما اذعان داریم که طبیعی بودن اصطلاحی مبهم و محل مناقشه است و اگر نگوئیم تمام مناظر بکر یا «وحشی»، بیشترشان عمیقاً متأثر از فعالیت انسانی هستند. هنوز با وجود لغزان بودن این مفهوم، شواهد بسیاری در این خصوص وجود دارد. در مناظر بکر، الگوهای منظر که به‌عنوان طبیعی درک

• مناظر فرهنگی اروپایی، زیبایی‌شناسی تعلق و هویت در بخش عمده‌ای از اروپا، منظر روستایی با یک تاریخ کهن از کشاورزی و جنگلداری شکل گرفته است. کاربری‌های سنتی تنوعی از سیستم‌های زمین و الگوهای اقامتی که اغلب توسط ساکنان و توسط توریست‌ها به‌عنوان مناظر جذاب ارزش‌گذاری شده‌اند را به نمایش می‌گذارند و نیز تنوع زیستی ارزشمند آن را. این الگوهای متمایز، «مناظر فرهنگی» نامیده می‌شوند. آن‌ها در ایجاد هویت محلی و تعلق در مردمی که اینجا با هم کار و زندگی می‌کنند کمک‌کننده هستند. پشتیبانی گسترده‌ای در حفظ و نگهداری از بخش مهمی از میراث فرهنگی و طبیعی اروپا وجود دارد.

ادراک و تفسیر مناظر توسط فرهنگ‌های مختلف منجر به الگوهای منظر مختلف می‌شود و این الگوها می‌توانند تحت عنوان مناظر تاریخی ثبت و شناسایی شوند. در سطح منظر، الگوهایی مانند شکل زمین اهمیت زیادی دارند چراکه با نظام‌های باور و ادراک محلی یکپارچه شده‌اند. در سطح سایت، بیشتر بر روی ویژگی‌های فرهنگ مادی و نظام‌های اجتماعی تمرکز شده که کارکرد فضا را توصیف می‌کنند. دیدگاه‌های موجود در مفهوم مناظر فرهنگی، پیچیدگی مباحث زیبایی‌شناسی-اکولوژیک را نشان داده و اهمیت بافت (زمینه، متن) موقعیتی را پیش می‌کشند. ویژگی‌های فرهنگی دوره‌های اخیر، مسلط و اغلب جایگزین ویژگی‌های فرهنگی یا طبیعی هستند که برای جوامع ابتدایی اهمیت داشتند. آثار دوران پیش از تاریخ، اثر قابل توجهی بر مناظر گذشته داشته‌اند، تأثیری که در رقابت با آثار تاریخی و معاصر، بر مناظر امروز ندارند. لایه‌بندی صریح فرهنگ و تاریخ در مناظر اروپایی، سؤالاتی از این دست را پیش می‌آورد: با وجود هنجارهای اجتماعی-فرهنگی و انتظارات شخصی، منظر صحیح (معتبر) چیست؟ برای کدام دوره باید اولویت قائل شد؟ باید انتظارات چه کسی را به حساب آورد؟ زمینه (بافت، متن) موقعیتی کشاورزان فعال در مقایسه با زمینه موقعیتی کسانی که از قدم زدن در میان مناظر فرهنگی لذت می‌برند می‌تواند منجر به الگوهای منظر متفاوتی شود. در ارتباط با زیبایی‌شناختی مراقبت که پیش‌تر بحث شد و از آن موضوع مهم‌تر و گسترده‌تر، مناقشه زیبایی‌شناختی-اکولوژیک، چه می‌شود اگر اشتباهاً در خصوص هنجارها و انتظارات این‌گونه تصور شود که منظر تاریخی فرهنگی، زمانی که انسان‌ها در هماهنگی با طبیعت زندگی می‌کردند اساساً یکی بوده‌اند؟

زیبایی‌شناختی منظره باید گفت: ویژگی‌های منظر که نشان از مراقبت دارند نه تنها به‌عنوان الگوها و رنگ‌های دلپذیر که به‌عنوان رفتارهای اجتماعی همسایگی قرائت می‌شوند. ویژگی‌های خاص مستخرج از زیبایی‌شناختی مراقبت از نوع و قلمرو منظر متفاوت است. در مناظر کشاورزی غرب میانه آمریکا، ردیف مستقیم محصولات، زمین‌های سبز و یکنواخت عاری از علف هرز و ساختمان‌های تازه رنگ‌شده مزارع، دلالت ضمنی بر منظر مراقبت دارند. همان‌طور که ما ذیلاً خواهیم گفت، در بسیاری از مناظر کشاورزی اروپایی، ویژگی‌های منظر با مراقبت مناسب و وابستگی به سنت‌های درازمدت فرهنگی همراه است و در مناظر شهرهای بزرگ، باغچه‌های پرطراوت گل‌های سالیانه و چمن‌های هرس شده نشانه‌های ضمنی مراقبت هستند. در هرکدام از این زمینه‌ها، برخی اثرات اکولوژیک مانند فرسایش قابل‌رؤیت و جریان‌های رسوبی سنگین احتمالاً بدمنظره باشند اما بسیاری از ویژگی‌هایی که خوب به نظر می‌رسند به لحاظ اکولوژیکی ممکن است مخرب باشند. در این زمینه‌ها، هماهنگی زیبایی‌شناسی با اکولوژی می‌تواند موضوع طراحی اکولوژیکی باشد که به‌طور واضح مراقبت را نیز نمایش می‌دهد.

مناظر کشاورزی نمونه‌ای از اثر بافت موقعیتی بر تجربه زیبایی‌شناختی هستند. کشاورزانی که به‌طور منظم درگیر کار بر روی زمین هستند به همان اندازه که فهم دقیقی از ویژگی‌های منظر مؤثر بر سرمایه‌گذاری موفق کشاورزی دارند، دارای دانش کاملی از فرایندهای اکولوژیک مؤثر بر کشاورزی هستند. اما مردمی که تنها از میان مناظر کشاورزی عبور می‌کنند ممکن است دانش کمی از سرمایه‌گذاری یا این فرایندها داشته باشند. با اینکه انتظار هر دو گروه این است که مناظر کشاورزی مراقبت شده باشند اما هر گروه ویژگی‌های مختلفی از منظر را مدنظر دارند. برای بازدیدکنندگان، «مراقبت» ممکن است از طریق یک نوع زیبایی‌شناختی معنوی بر پایه یک مفهوم رمانتیک از زندگی کشاورزی معنی داشته باشد درحالی‌که برای دیگرانی که در این مناظر زندگی می‌کنند ممکن است «مراقبت» از طریق بهترین شیوه مدیریت که در آن تولید کالا پایه مراقبت است انعکاس یابد. به هر روی، هم ویژگی‌های معنوی مورد احترام بازدیدکنندگان و هم ویژگی‌های تولید مورد توجه کشاورزان گاهی فرایندهای اکولوژیک را تضعیف می‌کنند. سیاست و برنامه‌ریزی می‌تواند این هر دو ویژگی را جهت حمایت بهتر از سلامت اکولوژیک هماهنگ کند.

مناظر متفاوت می‌تواند بسیار غیرمنتظره بوده و ممکن است با تغییرات سریع بستر در مقابل مردم قرار بگیرد. برای مثال در گذر از یک پارک بزرگ مانند پارک لینکلن^۲ در شیکاگو یا پارک گلدن گیت در سانفرانسیسکو، انسان با فضاهای باغ رسمی با رنگ‌های زنده، فرم و بافت، حوزه‌های طبیعت‌گرایانه کار استادان معماری منظر در ایجاد تجربه زیبایی‌شناختی منظره به تقلید از طبیعت، باغ‌های یادمان و دیگر سایت‌های طراحی شده که ارزش سمبلیک فراوانی برای ذینفع دارند و نیز نواحی وسیع طبیعی که نقش مهمی در ارائه خدمات اکولوژیک دارند مواجه می‌شود. ناسازگاری میان انواع منظر وقتی در یک پارک کنار هم قرار می‌گیرند مسئله مهمی نیست اما وقتی گروه‌های ذینفع با زمینه‌های موقعیتی متفاوت در نوع تجربه زیبایی‌شناختی مناسب برای یک مکان خاص دچار عدم توافق می‌شوند کشمکش ممکن است بالا بگیرد. بحث میان این دیدگاه‌های متفاوت ممکن است چالش‌برانگیز باشد و تجاربی که در زمینه (بافت) شهری با هم سروکار دارند می‌توانند عرضه‌کننده درس‌هایی برای انتظارات فرهنگی مختلف و گروه‌های متفاوت در انواع دیگر زمینه منظر باشند.

هم سو کردن زیبایی‌شناسی منظر و اکولوژی : چشم‌انداز و پیش‌بینی برای آینده
زمینه (متن) در بحث زیبایی‌شناسی - اکولوژی بسیار اهمیت دارد و نیاز است که درباره چگونگی آثار آن بر تجربه‌های زیبایی‌شناختی بیشتر بدانیم. انتظارات درباره ادراک منظر تمام فرهنگ‌ها و گونه‌های منظر را تغییر خواهد داد. هنگامی که ما این پرسش را که کدام تجربه‌های منظر زیبایی‌شناختی محض‌اند یا کدام تجربه‌ها امتزاجی از دیگر ابعاد پاسخ‌اند باز می‌گذاریم، توافق داریم که یک مسیر اجتماعی کلیدی برای رسیدن به اهداف اکولوژیک از راه تجربه‌های زیبایی‌شناختی می‌گذرد. به‌عنوان توضیح نهایی مدلمان، ما کاربرد طراحی و مداخلات دانش را در هماهنگی تجربه‌های زیبایی‌شناختی و اهداف اکولوژیک مطرح می‌کنیم.

• مداخله از طریق طراحی
در برخی زمینه‌ها، همچون مناظر بکر دارای مالکیت عمومی، تجربه‌های زیبایی‌شناختی و اهداف اکولوژیک اغلب در هماهنگی نزدیک با یکدیگرند. آنچه در نظر مردم خوب به نظر می‌رسد و تجربه‌های زیبایی‌شناختی ارزشمند را برایشان

برای مثال، مناظر تاریخی به‌شدت مدیریت‌شده شمال اروپا با زیبایی‌شناختی همراه است که با هویت محلی و ملی و اولویت مراقبت گره خورده اما این مدیریت ممکن است اثرات مضر بر اکولوژی داشته باشد. این مشکل است، چرا که استفاده مناظر تاریخی امروزه برای نشان دادن این است که چگونه فرهنگ‌های اروپایی در گذشته به‌خوبی از زمین مراقبت می‌کردند. زیبایی‌شناختی منظر فرهنگی اغلب با تلاش‌های قانونی برای مدیریت زمین در هر دو زمینه اکولوژی و زیبایی‌شناسی منظره برای فضا و انتخاب رژیم مدیریت رقابت می‌کند.

• مناظر کلان‌شهری، کنار هم نهادن انواع پاسخ‌های زیبایی‌شناختی

شاید مناظر شهری تجسم بزرگ‌ترین تنوع گونه‌های تجربه زیبایی‌شناختی باشند. حوزه‌های شهری شامل اراضی خصوصی همچون زمین‌های تجاری، مسکونی و فضاهای باز عمومی مانند پارک‌ها و مناطق حفاظت‌شده هستند. گستره آن‌ها در وسعت و موقعیت، از میدان‌های بسیار کوچک و محوطه‌های مرکز شهر تا مناطق بزرگ محافظت‌شده در حاشیه شهر است. هرچند این مناظر، اغلب شامل مناطق طبیعی یا سایت‌های رها شده‌اند اساساً تحت تسلط انسان هستند. درنهایت، شخصیت فرهنگی آن‌ها انعکاس‌دهنده تنوع گروه‌های است که حافظ منظر هستند یا بدان علاقه دارند.

این گوناگونی زمینه‌ها، تنوعی از انواع تجربه‌های زیبایی‌شناختی در گستره‌ای از یک زیبایی‌شناختی منظره تا یک زیبایی‌شناختی مراقبت را برای نشان دادن یک زیبایی‌شناسی اکولوژیکی به هنجار به دیگر انواع تجربه زیبایی‌شناختی مبتنی بر زمینه موقعیتی متفاوت فرا می‌خواند. این‌ها ممکن است شامل انواع فرمال، پست‌مدرن، بومی، کیش^۱ یا دیگر انواعی باشند که حامی سلامت اکولوژیک یا سازگار و یا حتی مضر برای آن باشند. این تنوع گونه‌های تجربه در برخی موارد مناظر شهری را به‌صورت مجموعه متفاوت از مناظر بکر، کشاورزی و مناظر فرهنگی اروپایی درمی‌آورد که تفسیر خاص خودشان را دارند. به‌عنوان مثال، برخلاف تأکید زیبایی‌شناختی منظره بر طبیعی بودن در مناظر بکر، در نظامات شهری، آثار خوب طراحی‌شده توسط انسان در پارک‌ها و پس‌زمینه شهر افزاینده و نه کاهنده زیبایی منظره، در منظر هستند. تفاوت مهم دیگر این است که در مناطق شهری، مجاورت

کاشت در مبادی ورودی و مسیرهای پیاده چوبی که با دقت ایجاد شده‌اند می‌تواند رساننده مراقبت و پروراننده تجربه‌های زیبایی‌شناختی بیشتری باشد.

• مداخله از طریق دانش

راه دوم برای هماهنگ کردن زیبایی‌شناسی و اهداف اکولوژیک، افزایش دانش مردم است. برخلاف مداخله از طریق طراحی که الگوهای منظر را تحت تأثیر قرار می‌دهد، مداخلات از طریق دانش، وجوه انسانی را هدف قرار می‌دهد و تلاش می‌کند فرایندهای ادراکی، نفسانی یا شناختی را که واسطه تجربه زیبایی‌شناختی منظر هستند تغییر دهند. این نوع از مداخله می‌تواند تجربیات و دانشی در اختیار مردم قرار دهد که زیبایی‌شناختی آن‌ها را با جلب توجه‌شان به شیوه‌های نظارت‌نچندان آشکار یا نوعی که حتی ممکن است به‌عنوان نوعی عدم مراقبت تفسیر شود ارتقا ببخشد. برای مثال، مردم با یادگیری کارکردهای اکولوژیک مهم باتلاق‌ها و مرداب‌ها و شاید به دست آوردن تجربه و دانستن ارزش ویژگی‌های اکولوژیک آن‌ها، ممکن است تجربه‌های مثبت بیشتری از آن‌ها داشته باشند یا دست‌کم مزایای اکولوژیک آن‌ها را در دادوستدی منصفانه به ازای کاستی‌های زیبایی‌شناختی‌شان بپذیرند. مداخلات دانش همچنین می‌تواند بر آموزش مردم درباره آثار منفی برخی شرایط محیطی یا اقداماتی که آن‌ها کمتر تمایل به پرداختن به آن‌ها را دارند هدف‌گیری شود. برای مثال، مردم با شناخت تمایلات تهاجمی برخی گونه‌های جذاب گیاهی ممکن است از کاشت آن‌ها در باغ‌های مسکونی خودداری کنند. باغ‌هایی که آن گیاهان می‌توانند از آن به حیات‌وحش سرایت کنند. درحالی‌که تحقیقات در زمینه بهداشت عمومی، تغذیه، ایمنی و برخی از جنبه‌های رفتار محیطی (به‌عنوان مثال حفاظت از انرژی و بازیافت) نشان می‌دهد که دانش به‌تنهایی برای تغییر نگرش و رفتار کافی نیست، تئوری زیبایی‌شناختی در هنر و فلسفه، همواره قائل به این بوده که دانش بر فهم زیبایی‌شناختی مؤثر است. مداخلات دانش، مرتبط با زیبایی‌شناسی اشکال مختلفی دارد، از اطلاعات ارائه‌شده توسط سازمان‌ها و از طریق رسانه تا نشانه‌های سایت، تورهای خود راهنما و فعالیت‌های تجربی مانند برنامه‌های باز زنده‌سازی اکولوژیک. اثر مداخلات دانش در منظر مختلف و زمینه‌های موقعیتی موضوعی است که ارزش مطالعات بیشتر را دارد.

میسر می‌کند، پایداری کارکردهای اکولوژیک و فرایندها را نیز به همراه دارد؛ اما در دیگر زمینه‌ها، ترجیحات زیبایی‌شناختی ممکن است باعث افزایش تغییراتی در منظر گردد که اهداف اکولوژیک را تضعیف می‌کنند. در این موارد، طراحی منظر و برنامه‌ریزی مرتبط، سیاست و اقدامات مدیریتی ممکن است برای آوردن زیبایی‌شناختی و اهداف اکولوژیک جهت هماهنگی بیشتر به کار گرفته شوند. تغییرات تعمدی منظر از طریق طراحی، روشی قدرتمند برای رسیدن به این هماهنگی است. با اشاره به شکل ۱، مداخلات طراحی، اقدامات انسانی هستند که می‌توانند الگوهای منظر قابل‌ادراک را برای ساخت ارتباطی نزدیک‌تر بین آنچه ادراک می‌شود و کارکردهای ارزشمند پدیده‌های محیطی خارج از قلمرو ادراک تغییر دهد. درباره استفاده از طراحی برای دستیابی به اهداف اکولوژیک زیاد نوشته‌شده است اما مدل ما بر اینکه طراحی علاوه بر هدف‌گیری اکولوژیک باید تلاش کند تا رساننده تجربه‌های زیبایی‌شناختی مثبت، سازگار با تجربه‌های زیبایی‌شناختی عمومی برای زمینه منظر خاص باشد تأکید می‌کند. مناظری که مزیت‌های اکولوژیکی مهمی تولید می‌کنند اگر متشخص نبوده یا جذابیت زیبایی‌شناختی نداشته باشند احتمالاً از مناظر تحت تسلط انسان به شمار نمی‌آیند. طراحی مناسب، برنامه‌ریزی، سیاست و مدیریت می‌توانند به لحاظ زیبایی‌شناختی مناظری جذاب ایجاد کنند و مناظری سودمند به لحاظ اکولوژیکی به دست دهند که از نظر فرهنگی نیز پایدارند.

به‌عنوان مثال، طراحان یک باغ رسمی در یک پارک شهری می‌توانند از گیاهان گل‌دار رنگارنگ که رساننده نوعی زیبایی‌شناختی مراقبت است و درعین‌حال تولیدکننده شاهد برای حشرات و پرندگان بوده و کمک‌کننده به تنوع زیستی بومی، با مصرف آب و کود حداقلی و بدون تمایلات تهاجمی است انتخاب کنند. سیاست‌هایی که الگوهای منظر کشاورزی را تحت تأثیر قرار می‌دهند می‌توانند ترکیبی از ویژگی‌های آشکاری باشند که برای کشاورزان و عموم مردم نشانه‌ای هستند از اینکه ذخیره کردن اراضی جهت حفاظت، اقدامی عمدی در جهت اعمال نظارت صحیح است. در مناظر سنت‌های فرهنگی پایدار، همچون مناظر کشاورزی بیشتر اروپا، شکل زمین و مرزها ممکن است شبیه‌سازی یک دوره تاریخی موفق باشد که همچنان بهترین شیوه مدیریت کاهش آسیب‌های اکولوژیکی زمین است. برای مناطق بکر بدمنظره اما مهم اکولوژیک مانند تالاب و چمنزار، نواحی هرس‌شده،

ممکن است تلاش‌هایی را که می‌خواهد از طریق مداخلات دانش در جهت تغییر ادراکات عمل نماید کمتر بپذیرند. به‌طور خاص، درباره اخلاق و اثرگذاری استفاده از اطلاعات برای دگرگونی ادراک محیط و رفتار، خصوصاً در مواردی که این مداخلات بر پیام‌های ترس و تهدیدآمیز تأکید می‌کنند، بیم قابل‌ملاحظه‌ای در بین ما هست. برخی در خصوص ابهام و عدم قطعیت خود دانش محیطی نگران‌اند. وجه پویای معرفت علمی این سؤال را مطرح می‌کند که آیا ما باید برای حفاظت از سلامت اکولوژیک دست به مداخله بزنیم؟ درحالی‌که از درستی دانش اکولوژی‌مان مطمئن نیستیم؟ درحالی‌که هنوز اجماعی در حوزه‌های مرتبط با دانش اکولوژی وجود ندارد و علم همواره موضوعی است برای تجدیدنظر در آینده، اصل احتیاط ما را به دفاع از اهداف اکولوژیک آن قدری که آن‌ها را می‌فهمیم و اثرات اقداماتمان را پیگیری می‌کنیم رهنمون می‌کند. حتی وقتی ما درباره معرفت علمی‌مان نسبتاً مطمئن هستیم، تغییرات منظر این مفهوم را می‌رساند که ممکن است دانش با ارزش‌های محیطی عمومی سازگار نباشد. برای مثال در مدیریت فضاهای سبز شهری انتخاب‌های زیادی برای بهبود سلامت اکولوژیک و پایداری وجود دارد. قضاوت درباره اینکه تجربه زیبایی‌شناختی منظر ترمیم‌شده یک دشت که تنوع زیستی محلی را تأمین می‌کند برتر از تجربه زیبایی‌شناختی یک جنگل پالاینده آلودگی هوا و تعدیل‌کننده جزیره گرمای شهریست در اختیار ماست و تلاش برای قانع‌سازی با دانش، که پیچیدگی ارتباط بین کارکردهای اکولوژیک و رفاه انسان/اجتماع را نمی‌پذیرد اخلاقاً می‌تواند محل پرسش باشد.

درحالی‌که موضوع ارتباط اقناعی اغلب در برابر مداخلات دانش شتاب‌زده به‌عنوان یک دست‌انداختن اخلاقی به ما هشدار می‌دهد، هشدارهای مشابه علیه مداخلات طراحی نیز وجود دارد. یکی از رایج‌ترین مثال‌ها در این باره پرده‌پوشی یا پنهان کردن برخی اقدامات مدیریت زمین مانند بریدن درختان است که به لحاظ زیبایی‌شناختی از نظر مردم تهاجمی ارزیابی می‌شود. برخی، اخلاق و اثربخشی استفاده از این‌گونه شیوه‌های پنهان‌سازی اثرات بصری اقداماتی این‌چنین را که با هدف بهبود پایداری اکولوژیک انجام می‌شود به پرسش کشیده‌اند. در مداخلات طراحی، همچون مداخلات دانش، باید روی کردن به‌سوی گفتمان عمومی، داشتن یک هدف اخلاقی روشن و اذعان به اینکه ممکن است اشتباه کنیم راهنمای اتخاذ تصمیم‌گیری باشد در خصوص اینکه چه مداخله‌ای و چگونه انجام شود.

• مفاهیم اخلاقی یک زیبایی‌شناسی هنجاری سیاست، برنامه‌ریزی، طراحی، مدیریت و آموزش همگی ذاتاً اقداماتی اصولی هستند که تغییرات را، بهبود در نظر می‌گیرند. وقتی مدل مفهومی ما از ارتباط زیبایی‌شناسی-اکولوژیکی، بیش از اینکه هنجاری بشد توصیفی است، برای حصول نتایج هنجاری، مکانیسمی ارائه می‌کند. یکی از نتایج هماهنگ کردن اهداف اکولوژیک با تجربه‌های زیبایی‌شناختی برای دستیابی به مناظر پایدار فرهنگی و اکولوژیکی است. ما در مطلوبیت پرورش یک ارتباط مکمل بین اکولوژی و زیبایی‌شناسی به‌منظور پایداری اهدافی مانند به‌سامانی انسان و اکولوژی توافق داریم. با این حال، مدل ما می‌تواند در موارد بسیار مختلفی استفاده شود: همان مکانیسم دستیابی به نتایج مطلوب، می‌تواند برای ارتقای تغییرات منظر که پرورش‌دهنده تجربه‌های زیبایی‌شناختی مثبت در آسیب‌های اکولوژیکی است کاربرد داشته باشد. بدین ترتیب، روشی که در آن مدل ما چارچوبی برای مداخلات هنجاری می‌سازد، توضیح‌دهنده پیامدهای اخلاقی است.

شاید برخی از دانشمندان و محققان احساس کنند این کاربرد مدل، گسترده‌تر از حد نقش سنتی تحقیق است با تعیین «آنچه باید باشد»، به‌جای توصیف تنها از «چگونگی» ارتباط بین انسان‌ها و منظر. برخی از ما که در نوشتن این مقاله همکاری داریم احساس می‌کنیم در هر دو زمینه کاربردی و اخلاقی، تمایز بین زیبایی‌شناختی و اهداف اکولوژیک مؤثرترین و مناسب‌ترین رویکرد به افتراقات زیبایی‌شناسی-اکولوژی است. با درمان مناقشات از طریق روند مذاکره، ارزش‌های زیبایی‌شناختی-مبتنی بر محوریت انسان- و اکولوژی - مبتنی بر تساوی حق انسان و غیر او- تصدیق شده و می‌توانند از خود دفاع کنند. هنوز دیگرانی از ما بر آنند که اگر تحقیق در ادراک منظر همچنان با هدایت طراحی، برنامه‌ریزی و مدیریت منظر مرتبط است ما در ارائه مسیر مثبت برای تغییر مسئولیت داریم. با یکپارچه کردن اقدامات که صریحاً بر تغییرات منظر مؤثر است ما چگونگی انتخاب جامعه برای کسب نتایج سودمند را توضیح می‌دهیم. ما مدل خود را به‌عنوان یک ابزار مفید برای کشف اینکه چگونه و تحت کدام شرایط، مداخلات متنوع ممکن است نتایج مختلفی به دست دهد و چگونه مداخلات در مناظر مختلف، زمینه‌ها عمل می‌کند و تا چه حد می‌توان از آن‌ها برای آوردن گونه‌های مختلف پدیده‌های اکولوژیکی به قلمرو ادراکی استفاده کرد می‌نگریم.

کسانی که می‌پذیرند مداخلات طراحی می‌تواند در ایجاد هماهنگی در ارتباطات زیبایی‌شناختی-اکولوژی مفید باشد

لحاظ اکولوژیکی سودمند بوده و در عین حال ارائه‌کننده لذت زیبایی‌شناختی نیز باشند؛ بنابراین، برنامه‌ریزی منظر، طراحی و مدیریت که الگوهای منظر آینده را نشانی می‌دهند راه‌های قدرتمندی برای حفاظت و ارتقای اهداف اکولوژیک هستند. همکاری با یکدیگر در این مقاله مشترک ما را و داشت تا برای رسیدن به فهم مشترک درباره ارتباطی که باید بین اکولوژی و زیبایی‌شناسی منظر وجود داشته باشد و تعریف محدوده‌های مشخص‌تر برای پژوهش‌های آینده دست به طبقه‌بندی دیدگاه‌ها، تجربیات و تفاوت‌هایمان بزنیم. بنابراین مدل مفهومی ما از ارتباط‌های زیبایی‌شناختی-اکولوژی یک کار در جریان است و درخواست ما از دیگران، نقد و گسترش آن چیزی است که اینجا بررسی کردیم.

نتیجه‌گیری | از آنجاکه اثرات انسانی بر فرایندهای اکولوژیک، کارکردهای ضروری و سودمند اکوسیستم را، از منابع آب پاک گرفته تا زیبایی منظر را رو به زوال برده، لازم است برای تصمیم‌گیری در خصوص ایجاد هماهنگی بهتر بین ارزش‌های انسانی و اکولوژیکی استراتژی‌هایی اتخاذ شود. در ارتباط با تغییر منظر، نظر ما این است که الگوهای منظر که ارائه‌کننده پاسخ‌های زیبایی‌شناختی بلاواسطه از خوشی یا ناخوشی هستند نقاط شروع مهم فرموله کردن اقدامات برای اثرگذاری بر تغییر منظر هستند. در حالی که قطعاً همه لذت زیبایی‌شناختی منظر ناشی از پاسخ به الگوهای منظر سودمند اکولوژیکی نیستند از نظر ما الگوهای منظر آینده، تجربه‌های انسانی و اقدامات به‌گونه‌ای می‌توانند تدبیر شوند که سازنده تمام گونه‌های منظر باند به‌نحوی که به

پی‌نوشت

* نوشته حاضر متن کامل ترجمه‌ای جدید از مقاله «پل گوپستر»، «جان ناسور»، «تری دانیل» و «گری فرای» است که در سال ۲۰۰۷ در مجله «اکولوژی منظر» منتشر شده و پیش‌تر ترجمه‌ای خلاصه از آن در شماره ۱۳ مجله منظر به چاپ رسیده است:

Gobster, P. H., Nassauer, J. I., Daniel, T. C. & Fry, G. (2007). The shared landscape: what does aesthetics have to do with ecology? *Landscape Ecology*, (22): 959-972. DOI: 10.1007/s10980-007-9110-x.

Lincoln Park ۲

Kitsch ۱

فهرست منابع

- Daniel, T.C. (2001a). Whither scenic beauty? Visual landscape quality assessment in the 21st century. *Landscape & Urban Planning*, 54(1): 267-281.
- Daniel, T.C. (2001b). Aesthetic preferences and ecological sustainability, In *Forests and landscapes: linking ecology, sustainability and aesthetics*, Edited by Sheppard, S.R.J. & Harshaw, H.W. Oxon: CABI Publishing.
- Fry, G. & Sarlov-Herlin, I. (1997). The ecological and amenity functions of woodland edges in the agricultural landscape; a basis for design and management. *Landscape & Urban Planning*, 37(1): 45-55.
- Gobster, P.H. (1995). Aldo Leopold's ecological esthetic: integrating esthetic and biodiversity values. *Journal of Forestry*, (93): 6-10.
- Gobster, P.H. (1999). An ecological aesthetic for forest landscape management. *Landscape Journal*, 18(1): 54-64.
- Gobster, P.H. (2001a). Foreword, In *Forests and landscapes: linking ecology, sustainability and aesthetics*, Edited by Sheppard, S.R.J. & Harshaw, H.W. Oxon: CABI Publishing.
- Gobster, P.H. (2001b). Visions of nature: conflict and compatibility in urban park restoration. *Landscape & Urban Planning*, 56(1): 35-51.
- Gobster, P.H., Nassauer, J.I. & Daniel, T.C. (2005). Landscape aesthetics: what's ecology got to do with it? In *Proceedings of our shared landscape: integrating ecological, socio-economic and aesthetic aspects in landscape planning and management*, Edited by Lange, E. & Miller, D. Zürich: NSL.
- Hill, D. & Daniel, T.C. (in press). Foundations for an ecological aesthetic: can information alter landscape preferences? *Society & Natural Resources*.
- Nassauer, J.I. (1992). The appearance of ecological systems as a matter of policy. *Landscape Ecology*, 6(4): 239-250.
- Nassauer, J.I. (1993). Ecological function and the perception of suburban residential landscapes, In *Managing urban and high use recreation settings*, Edited by Gobster, P.H. *Rep. No. NC-163. USDA Forest Service North Central Forest Experiment Station General Technical Report, St. Paul, MN*.
- Nassauer, J.I. (1995a). Messy ecosystems, orderly frames. *Landscape Journal*, 14(2): 161-170.
- Nassauer, J.I. (1995b). Culture and changing landscape structure. *Landscape Ecology*, 10(4): 229-237.
- Nassauer, J.I. (1997). Cultural sustainability: aligning aesthetics and ecology. In *Placing nature: culture and landscape ecology*, Edited by Nassauer, J.I. Washington: Island Press.
- Ode, A.K. & Fry, G. (2002). Visual aspects in urban woodland management. *Urban Forestry & Urban Greening*, 1(1): 15-24.
- Palang, H. & Fry, G. (2003). *Landscape interfaces: cultural heritage in changing landscapes*. Dordrecht: Kluwer Academic Publishers.
- Parsons, R. & Daniel, T.C. (2002). Good looking: in defense of scenic landscape aesthetics. *Landscape & Urban Planning*, 60(1): 43-56.
- Tveit, M., Ode, A. & Fry, G. (2006). Key concepts in a framework for analysing visual landscape character. *Landscape Research*, 31(3): 229-255.